«خائن‌کشی» کیمیایی

طبق اعلام روابط عمومی سازمان سینمایی مسعود کیمیایی تصمیم گرفته فیلم تازه‌ای بسازد. این فیلم «خائن‌کشی» به تهیه‌کنندگی علی اوجی ساخته خواهد شد. فیلم روز گذشته پروانه ساخت گرفته و احتمالا روند تولید آن به زودی آغاز خواهد شد. «خرابکاران» به نویسندگی فهیمه کرمی، تهیه‌کنندگی غلامرضا گمرکی و کارگردانی سیدداوود اطیابی و چند فیلم دیگر هم پروانه ساخت خود را دریافت کرده‌اند. / جام جم دیلی

پیدا کردن عصای کیارستمی در سینما

فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» به کارگردانی محمودرضا ثانی و تهیه کنندگی بهروز نشان در گروه سینمایی «هنر و تجربه» اکران می‌شود. فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» قرار است از سه شنبه ۲۴ شهریور در گروه سینمایی «هنر و تجربه» اکران شود. آیین افتتاحیه فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» سه شنبه ۲۲ شهریور ساعت ۱۸ در موزه سینمای ایران برپا می‌شود. / مهر

زندگی شیرینِ روح‌ا...

درباره جایزه مارچلو ماسترویانی که روح‌ا... زمانی آن را دریافت کرد

شمیلا شیرزاد به نمایندگی از روح‌ا... زمانی جایزه او را دریافت کردند

مارچلو ماسترویانی

علی رستگار
سینما

مارچلو ماسترویانی یک‌تنه، شمایل روزنامه‌نگار و کارگردان را در سینما ارتقا داد و دست‌نیافتنی کرد؛ آن چهره فتوژنیک و جذاب در «زندگی شیرین»، مارچلو، روزنامه‌نگار نشریات شایعه‌پرداز بود که در محافل مجلل در پی عشق و خوشبختی می‌رود و در «هشت‌ونیم» گوئیدو آنسلمی کارگردان سینماست که خاطرات کودکی و گذشته خود را به یاد می‌آورد.

بخت با ما یار بود که فدریکو فلینی، کارگردان برجسته و جهانی سینمای ایتالیا، سر راه ماسترویانی قرار گرفت و چنین نقش‌های درخشانی را به او سپرد و با این انتخاب درست به مانایی آنها مهر تایید زد.

ماسترویانی بعدها باز هم با فلینی در فیلم‌های «شهر زنان»، «جینجر و فرد» و «ماه» همکاری کرد. اما او تنها ستاره مرد فیلم‌های فلینی نبود و در برخی دیگر از فیلم‌های کارگردان‌های شاخص سینمای ایتالیا همچون میکل آنجلو آنتونیونی مثل «شب» هم درخشید. اگر تنها بخواهیم یک شمایل و ستاره برای فیلم‌های سینمای هنری و مدرن و روشنفکرانه اروپا و به‌ویژه ایتالیا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نام ببریم، بی‌تردید باید به مارچلو ماسترویانی اشاره کنیم. او ضمن این‌که ویژگی‌های ستارگی سینمای خاص‌تر و هنری‌تر را داشت و جذابیت‌های جمالی و تشدید وجوه قهرمانانه‌اش که قد یک متر و ۷۶ سانتی‌متری او را در فیلم‌ها بلندتر نشان می‌دادند، در انواع دیگر نقش‌ها نیز مستعد بود و خودی نشان می‌داد. به‌ویژه در نقش‌های کمدی که یکی از شاخص‌ترین آنها «طلاق به سبک ایتالیایی» ساخته پیترو جرمی است.

ماسترویانی با دریافت جوایز مهمی چون بهترین بازیگر جشنواره فیلم کن، بفتای بهترین بازیگر نقش اول و گلدن‌گلوب بهترین بازیگر، جایزه آکادمی هنرهای سینمایی و تلویزیونی بریتانیا، جایزه سزار افتخاری، جایزه دیوید دی دوناتلو و جایزه بهترین بازیگر جشنواره فیلم ونیز از پرافتخارترین بازیگران تاریخ سینمای جهان است.

این بازیگر محبوب و پرآوازه سال ۹۶ میلادی و در ۷۲ سالگی درگذشت، اما همچنان فیلم‌ها و نقش‌آفرینی‌هایش در تاریخ سینما دیده می‌شود و شیفتگان سینما و بازیگری، یادگارهایش را می‌بینند. جشنواره فیلم ونیز از سال ۹۸ میلادی، به افتخار مارچلو ماسترویانی، جایزه‌ای را طراحی و به این جشنواره اضافه کرد. جایزه‌ای که برای به‌رسمیت‌شناخته‌شدن یک بازیگر نوظهور اهدا می‌شود.

نیکولو سنی، اولین بازیگری بود که سال ۱۹۹۸ این جایزه را به خود اختصاص داد. این بازیگر ایتالیایی زمانی که تنها ۱۵ سال داشت، این جایزه را دریافت کرد. سنی ۳۷ ساله همچنان در سینمای ایتالیا فعالیت می‌کند. بعد از او ۲۳ بازیگر دیگر (در سه دوره به‌طور مشترک) جایزه مارچلو ماسترویانی را به‌دست‌آوردند که در میان آنها برخی ستاره‌های سینمای جهان و هالیوود هم به چشم می‌خورند؛ ازجمله گائل گارسیا برنال، بازیگر مکزیکی که با فیلم‌هایی چون «خاطرات موتورسیکلت» و «بابل» و «عشق سگی» شناخته می‌شود. او سال ۲۰۰۱ و همراه دیگه گو لونا برنده این جایزه شد. همچنین نام جنیفر لاورنس، ستاره هالیوودی فیلم‌هایی چون «بازی‌های گرسنگی» و «زمستان استخوان‌سوز» هم در میان برندگان این جایزه به چشم می‌خورد که سال ۲۰۰۸ چهره نوظهور جشنواره ونیز شناخته شد. میلا کونیس، بازیگر فیلم «قوی سیاه» هم استعدادی بود که برای بازی در همین فیلم، جایزه مارچلو ماسترویانی را در سال ۲۰۱۰ دریافت کرد.

احتمالا روح‌ا... زمانی فعلا شناختی از مارچلو ماسترویانی و جایگاه او در سینمای جهان ندارد و فیلمی از این بازیگر ندیده باشد و تنها از اهمیت این جایزه آگاه باشد، اما امیدواریم او ضمن شناخت این بازیگر و اشراف به سینمای ایران و جهان، در ادامه سرنوشت شیرینی همچون برخی بازیگران برنده جایزه مارچلو ماسترویانی پیدا کند و به درخشش خود در سینما ادامه دهد.

مثبت و منفی‌های تازه‌ترین ساخته مجیدی از نگاه منتقدان ایرانی و خارجی

گرم و روشن مثل «خورشید»

منتقدان سینمایی هرچند اغلب اوقات نظراتی متفاوت از مخاطبان فیلم‌ها دارند، اما در یک نکته با هم اشتراکاتی هم دارند. همان‌طور که ممکن است هر فیلمی میان مردم نظرات موافق و مخالف داشته باشد، برخی خیلی دوستش داشته باشند و برخی هم نتوانند به‌هیچ‌وجه با آن کنار بیایند، منتقدان هم دچار همین رفتارها و حالات می‌شوند. یکی‌شان فیلمی را بسیار ستایش می‌کند و دیگری آن را فاقد ارزش می‌داند. خلاصه که نظرات تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و تفاوت‌ها را تاحدی می‌توان در اظهارنظر منتقدان خارجی درباره حضور «خورشید» در ونیز هم دید.

منتقدان ایرانی

شایان کرمی:

خورشید مثل آثار شناخته شده مجیدی پر از زندگی است و این را از همان دقایق ابتدایی فیلم می‌توان فهمید. شخصیت اصلی فیلم کودک کاری است که در یک اوراقی لاستیک کار می‌کند و مادرش هم به‌خاطر مشکلات روانی در بیمارستان بستری شده است. او که وضع مالی چندان خوبی ندارد توسط یکی از هم‌محلی‌های خود از وجود یک گنج در زیرزمین مدرسه آگاه می‌شود و تصمیم می‌گیرد با دوستان خود در یک ماجراجویی تازه به سراغ این گنج برود.

مرتضی کوه‌مسکن:

به هرحال خورشید را می‌توان اثر برجسته‌ای در کارنامه هنری مجیدی دانست و به‌نظر این فیلم می‌تواند با تکیه بر داستان خوبی که دارد و سبک حرفه‌ای ساخت و تولیدش به فیلم موفقی در داخل و خارج از کشور تبدیل شود.

ابراهیم عمران:

کارگردان کاربلد سینمای ما دست روی موضوعی گذاشت که شاید در آن جغرافیای پایین‌شهر برای خیلی‌ها ملموس و آشنا باشد ولی در پهنه دیگر شهر، لامحاله و کم هستند افرادی که بتوانند این نگاه را درک و هضم کنند. اوج کار مجیدی در باورپذیری کاراکترهایش است که بسیار به دل می‌نشینند و حتی نحوه کندن زمین و تونل کندن و بستن سیم برق‌شان، آن‌چنان رئال و منطقی و گیراست که گویی سال‌ها در این کار بوده‌اند یا سکانس‌هایی که در انبار لاستیک مشغول کار هستند نیز بسیار ماهرانه از عهده آن برآمده‌اند که نشان از بازی گرفتن خوب کارگردان از آنها دارد.

منتقدان خارجی

پیتر دبروگ، منتقد ورایتی:

دنیای فیلم «پروژه فلوریدا» از دریچه نگاه کودکان و دنیای آنها دیده می‌شود. به گفته دبروگ، کودکان فیلم «خورشید» مجیدی دقیقا به اندازه دختران کوچک فیلم «پروژه فلوریدا» بار درام را به دوش کشیده و بیننده را سرگرم می‌کنند. این فیلم در همان ابتدا تقدیم به حدود ۱۵۲ میلیون کودک کار در سراسر جهان شده که هر روز در حال نبرد برای دستیابی به حقوق خود هستند، پس تا حد زیادی به این نتیجه می‌رسیم که کارگردان در حال اعلام یک اظهارنظر سیاسی است. فضا و شخصیت‌های فیلم تا حدی یادآور «فراموش‌شدگان» لوئیس بونوئل و پرداختن به زندگی کودکان مکزیکوسیتی در آن فیلم است.

نیکلاس باربر، منتقد ایندی‌وایر:

مشکل فیلم اما این است که در برخی از سکانس‌ها، اتفاقات به‌صورت ناگهانی تمام می‌شوند که این مساله باعث می‌شود تماشاگر به‌طور کامل متوجه نشود چه اتفاقی افتاده است. به‌نظر می‌رسد فیلم «خورشید» بیش از حد تدوین شده است.

دبورا یانگ، منتقد هالیوود ریپورتر:

مجید مجیدی، کارگردان ایرانی، از نظر بصری خیره‌کننده‌ترین و هیجان‌انگیزترین فیلم سینمای جهان درباره وضعیت جوانان کم‌درآمد با سطح زندگی پایین و بدسرپرست را ساخته است؛ فیلم «خورشید» یکی از بهترین آثار اوست.

لی مارشال، منتقد اسکرین دیلی:

مجیدی فیلم همدلانه دیگری درباره کودکان تهیدست ساخته است که نئورئالیسم بی‌تکلف قرن بیست‌ویکمی آن در دوران غریب کنونی به شکل غریبی طراوت‌بخش است. فیلمبرداری گرم و موسیقی ارکسترال باشکوه فیلم حس خوبی به مخاطب می‌دهد و می‌توان گفت مجیدی هراسی از پرداختن به مشکلات اجتماعی مانند کودکان کار، مصائب مهاجران و... ندارد.

نتیجه تحریم‌ها بر سینما

شهرام مکری، کارگردان «جنایت بی‌دقت» که جایزه بهترین فیلمنامه بخش افق‌ها را از آن خود کرد، در این جشنواره گفت: تحریم‌های سیاسی که مانع جابه‌جایی پول و سرمایه میان بانک‌های ایران و سایر کشورها می‌شود، محافظه‌کاری در بروکراسی اداری، عدم داد و ستد سینمایی و نبود تمایل برای تولید فیلم در سایر کشورها از سوی مدیران سینمای ایران و شرایط پیچیده حاکم بر سینمای ایران به لحاظ محتوایی، از جمله موانع برای ساخت فیلم‌های مشترک میان ایران و سایر کشورهاست.

به‌نفع ترامپ، به‌ضرر جهان

احمد بهرامی، کارگردان «دشت خاموش» و برگزیده منتقدان جشنواره ونیز هم در این جشنواره گفت: این تحریم‌ها علیه ایران واقعا ناعادلانه است و فقط فشار مضاعف روی مردم می‌آورد و هیچ سودی برای کشورها و مردمان دیگر ندارد به جز ترامپ که از این تحریم‌ها استفاده می‌کند. تحریم یک مساله سیاسی است و به مردم و بیماران کشور ما ربطی ندارد اما مردم ما از تحریم و نبود دارو رنج می‌برند.

زیتون. هر دو ساخته کیارستمی. داشت، اما بعد از آن به کارهای دیگری مشغول شد و از سینما دور ماند. اما اخیرا در مراسم و محافل سینمایی رویت می‌شود، در مستند درخت زندگی جلوی دوربین رفت و به‌تازگی هم در یک فیلم کوتاه بازی کرده‌است.

فیلم دونده یکی از بهترین و ماندگارترین آثار امیر نادری و سینمای ایران است و حضور و بازی مجید نیرومند به نقش امیرو یکی از نقاط قوت فیلم محسوب می‌شود. جایگاه و اهمیت دونده به قدری است که یکی از تصاویر آن، تبدیل به پوستر سی و هفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر شد.

نیرومند بازیگر نقش امیرو که آن موقع در ابتدای نوجوانی قرار داشت، بعد از دونده در فیلم آب باد خاک باز هم به کارگردانی نادری بازی کرد، اما بعدها دیگر خبری از او در سینما نشد و ظاهرا در سال‌های اخیر هم به کار دیگری مشغول است و در خارج از کشور زندگی می‌کند.

حسین عابدینی هم که ذکر او در ابتدای این بخش رفت، از ۱۵ سالگی فعالیت سینمایی‌اش را با فیلم پدر مجید مجیدی آغاز کرد و بعد هم در سریال بچه‌های مدرسه همت رضا میرکریمی شناخته‌شده‌تر شد و با بازی در دومین فیلم سینمایی‌اش باران به کارگردانی مجیدی، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را به خود اختصاص داد. جایزه‌ای که آن موقع مخالفانی هم داشت و برخی معتقد بودند نباید مهم‌ترین جایزه بازیگری سینمای ایران را به یک نابازیگر یا تازه وارد بدهند. عابدینی اگرچه بعدا در فیلم‌ها و سریال‌های دیگری بازی کرد، اما بازی خوبش در باران دیگر تکرار نشد. طبق شنیده‌ها او این روزها در یک دفتر بیمه در کرج به کار مشغول است.

ویژگی همه این بازیگران مورداشاره، درخشش آنها در فیلم‌هایی شاخص و ماندگار است. به جز اینها، بازیگران کودک و نوجوانی هم داشتیم که کماکان با فراز و نشیب‌هایی در بازیگری فعالیت می‌کنند؛ حسین سلیمانی بازیگر فیلم مهر مادری، غزل شاکری بازیگر فیلم گلنار، علی شادمان بازیگر فیلم میم مثل مادر، مهدی باقربیگی بازیگر قصه‌های مجید و فیلم‌های مرتبط با این مجموعه، علیرضا جعفری بازیگر فیلم مهمان مامان، محمدرضا شیرخانلو، ترلان پروانه، ارسلان قاسمی، نیکی نصیریان و... از جمله این بازیگران هستند.

ضمن اشاره به بازیگرانی چون امید آهنگر، شاهد احمدلو، مهران ضیغمی، سپهر آزادی، الهه و الهام علیاری (خواهران غریب)، عطیه معصومی (پرنده کوچک خوشبختی)، علیرضا رضاییان (رابطه) و...، باید از درخشش دو بازیگر کودک در سال‌های اخیر هم یاد کنیم؛ یونا تدین و نیوشا علیپور که در فیلم قصرشیرین رضا میرکریمی بازی‌هایی تاثیرگذار داشتند و تحسین شدند و حتی اسمشان در میان نامزدهای دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد و نقش مکمل زن هم قرار گرفت.

نکته قابل اشاره دیگر، بازیگرانی هستند که در کودکی و نوجوانی جلوی دوربین رفتند و بعدها به ستاره‌های نام آشنایی تبدیل شدند؛ لیلا حاتمی و باران کوثری، شاخص‌ترین چهره‌ها در این زمینه هستند و برخلاف بسیاری از بازیگران کودک و نوجوان که معمولا عاقبت بخیر نمی‌شوند، این دو در سینما به رستگاری رسیدند. حاتمی ابتدا در هزاردستان بازی کرد و بعد هم درحالی‌که ۱۱ سال داشت در فیلم کمال‌الملک باز هم به کارگردانی علی حاتمی نقش کودکی این نقاش را بازی کرد. کوثری هم وقتی شش سال داشت در فیلم بهترین بابای دنیا ساخته داریوش فرهنگ جلوی دوربین رفت. به جز استعدادی که این دو بازیگر داشتند، قطعا نباید از نقش والدین سینمایی آنها (علی حاتمی و زهرا حاتمی / جهانگیر کوثری و رخشان بنی اعتماد) هم در این تداوم فعالیت حرفه‌ای بی‌تفاوت گذشت.

درمجموع امیدواریم باتوجه به این سابقه و کارنامه و سرانجام بچه‌های بازیگر سینما، روح‌ا... زمانی و شمیلا شیرزاد و دیگر بازیگران کودک و نوجوان فیلم خورشید، سرنوشت خوبی در ادامه فعالیت سینمایی داشته باشند و سینمای ایران از این ظرفیت‌ها و استعدادهای خوب بازیگری به خوبی بهره ببرد.